

چمدان خاطره ساز تلویزیون

نوستالژی هفته

زی زی گولوی قصه ها



وقتی شخصیت عروسکی با آن زبان خاص خود می گفت «زی زی گولو آسی پاسی درا کوتا تابه تا»، همه بچه ها با آن تکرار می کردند و منتظر اتفاق های عجیبی از این عروسک بودند. قصه های تابه تا که با نام شخصیت اصلی آن زی زی گولو شناخته می شد، یک سریال تلویزیونی بود که روی آنتن شبکه دو رفته بود. زی زی گولو همان شخصیت اصلی سریال بود که انگار از یک سیاره ناشناخته به

زمین آمده و مهم ترین توانایی او این بود که با خواندن ورد «زی زی گولو آسی پاسی درا کوتا تابه تا»، کارهای خارق العاده انجام می داد. زی زی گولو حال و هوای متفاوتی داشت و توانسته بود بین مخاطبان پیر و جوان طرفدار برای خود دست و پا کند. آقای جمالی با رضایضی که نوک زبانی حرف می زد، همیشه با زی زی گولو درگیر بود و حرف زدن های شان با هم، خاطره های زیادی به جا می گذاشت. حتی واژه «زی زی گولو» به فرهنگ گفتاری مردم راه پیدا کرده بود. در یکی از قسمت های آن، آقای جمالی با وردی که زی زی گولو می خواند، صدایش عوض می شد و موقعیت های بامزه ای خلق می کرد.



برای تماشای مجموعه قصه های تابه تا کو آر کدر اسکن کنید

چهره هفته

ماندگار مثل فرهنگ مهرپرو



خیلی های مان صبح جمعه با شما را با صدای ماندگار فرهنگ مهرپرو به خاطر می آوریم؛ صدایی که با همراهی هنرمندانی مثل منوچهر آذری، قطعات نمایشی جذاب رادیویی را برای مان اجرا می کرد و شوخی هایش برای خیلی های مان خاطره ساز بود. مهرپرو هنرمند ماندگار رادیو و تلویزیون، در شهریور ۱۳۷۳ سکه کرد و در ۴۸ سالگی و در اوج ناباوری همکارانش، از دنیا رفت.

دارند که مملو از هواداران و دوستانش بود. زوج فرهنگ مهرپرو و منوچهر آذری که یک ترکیب شنیدنی و طنز به مخاطبان ارائه می کردند، رادیو را برای مان خاطره ساز کرده بود. منوچهر آذری با سوت هایی که می زد و فرهنگ مهرپرو با طنز و شوخی هایش، یک ترکیب ماندگار به جا گذاشتند. اما مهرپرو خیلی زود و در ۴۹ سالگی چشم از جهان فرو بست و اجراهایش برای خیلی ها خاطره شد. همکارانش از او خاطره های شیرینی به یاد دارند. فرهنگ جولایی، تهیه کننده قدیمی رادیو درباره او گفته بود: در میان بچه های صبح جمعه با شما، منظم ترین بود و هیچ وقت ما را اذیت نکرد. آدم سلامتی بود و فوتش خیلی ناگهانی شد. مهرپرو این هنرمند ماندگار رادیو و تلویزیون، در شهریور ۱۳۷۳ سکه کرد و در ۴۸ سالگی و در اوج ناباوری همکارانش، از دنیا رفت.

تیتراژ هفته

یادی از موسیقی بچه های کوه آلپ



آنت، لوسین، و دنی را یادتان هست؟ اصلا مگر می شود بچه های کوه آلپ را با آن موسیقی ماندگار فراموش کرد؟ داستان این کارتون، درباره سه شخصیت محوری آنت، لوسین، و دنی بود که مفاهیمی مثل عشق، نفرت، مرگ، معلولیت، ندامت، از خودگذشتگی، بخشش، و آشتی را هم در کنارش مطرح می کرد. آنت با ریلن دختر خوش قلبی بود که با پدر و برادر کوچکش،

دنی به همراه عمه پدر سالخورده اش در دهکده ای کوچک به نام روسینی یرد رامنه کوه های آلپ زندگی می کرد. همین حال و هوای ساده این کارتون، باعث شده بود تا خیلی از مخاطبان جذب آن شوند اما شاید برای همه طرفداران این کارتون خاطره انگیز جذاب باشد که بدانند موسیقی خاطره ساز این کارتون درواقع موسیقی اصلی نیست و آنچه ما می شنیدیم، بخشی از موسیقی متن انیمیشن زال و سیمرغ ساخته مجید رمان انگلیسی جواهرهای برف ساخته شد که در سال های بعد از جنگ جهانی دوم به رشته تحریر درآمده بود. خاطره بچه های کوه آلپ هنوز هم برای خیلی های مان خاطره انگیز است و شنیدنش ما را یاد همان روزهای دور کودکی می اندازد.



برای تماشای کارتون بچه های کوه آلپ کو آر کدر اسکن کنید

سپیده اشرفی

روزنامه نگار

تلویزیون برای خیلی های مان پر از خاطره است. انگار که یک چمدان را باز کنی و هر تکه از آثار به یادمانده را با یک خاطره پیوند بزنی. تلویزیون در قامت قاب جادو، درست مثل همین چمدان است. کافی است در خاطرات را باز کنی تا صدای شان به گوش برسد. در هفته جاری و صفحه پیش رو، به برخی از این خاطره های ماندگار پرداختیم و از موسیقی و تیتراژ تا برنامه های نوستالژی را با هم مرور کرده ایم.

برنامه هفته

خونه به یادماندنی مادر بزرگه



خونه مادر بزرگه با آن گربه دوست داشتنی و عصبانی اش یعنی مخمل خان، خاطره روزهای کودکی خیلی های مان بود و شاید باورکردنش سخت باشد که ۳۷ سال از آن روزها گذشته است. خونه مادر بزرگه مجموعه تلویزیونی عروسکی بود که از سال ۱۳۶۶ روی آنتن رفت و روایت خونه مادر بزرگه را برای مان به تصویر می کشاند. قصه مربوط به خانواده آقاجانی و گل باقالی خانم به همراه دو جوجه - فرزند - شان بود. از همان جا انگار آرامش خانه برای گربه یکی یک دانه مادر بزرگه به هم می ریزد و دعوی او با جوجه های این خانواده شروع می شود. شخصیت های این برنامه عروسکی مادر بزرگه، مراد، مخمل، آقاجانی و گل باقالی خانم، نوک سیاه و نوک طلا، نبات، هایو کومار و حلزون بودند. خانه مادر بزرگه یک کلبه بود که دور حیاطش پر از نرده های چوبی بود و روی ایوان کلبه یکی دو تخته فرش انداخته بودند تا مادر بزرگه سبزی پاک کند و همه جا را زیر نظر داشته باشد.

یاد هفته

خاطره ماندگار از نوروز ۷۵



خاطره برنامه نوروز ۷۵ برای خیلی های مان همان اجرای طنز مهران غفوریان و بیژن بنفشه خواه بود که بدهستان های بانمکی با هم داشتند. نوروز ۷۵ مجموعه تلویزیونی محصول سال ۷۴ بود که به کارگردانی و نویسندگی داریوش کاردان و تهیه کنندگی ایرج کاردان روی آنتن شبکه یک رفته بود. زنده یاد پوپک گلدره هم در یکی از بخش های برنامه با رضا عطاران به نقش آفرینی و هنرنمایی طنز می پرداخت. اتابک نادری، بیژن بنفشه خواه، حسین رفیعی و داریوش کاردان از جمله بازیگران این کار ماندگار بودند که بیشترشان در آن زمان هنوز جوان بودند.

تاریخ به گواه «سرزمین مادری»

فاطمه عودباشی

سر دبیر
قاب کوچک



«سرزمین مادری» مجموعه ای تاریخی است که به شکلی متفاوت به وقایع سیاسی و اجتماعی ایران از دهه ۲۰ تا پیروزی انقلاب اسلامی می پردازد و از پربازگترین سریال های تاریخ تلویزیون محسوب می شود. این اثر روایتی خطی دارد و از بدو تولد رهی شروع می شود.

بعد از این که صدای گریه نوزادی را از زیر آوار می شنویم، به سال ها بعد و زندگی رهی کوچک می رسیم؛ پسربچه ای که از همان ابتدا تحت تعلیم مردی توده ای به نام جواد اردکانی است و با چالش ها و تهدیدهایی پیرامون زندگی در چنین خانواده ای روبه روست. با ورود عمه و تردیدی که از بابت پیشینه خانوادگی به دل رهی می اندازد، اولین بحران در سریال شکل می گیرد و از اینجا به بعد است که رهی وارد مسیر جدیدی برای یافتن واقعیت گذشته اش می شود.

با مرگ اردکانی و روشن شدن واقعیت برای رهی، کشمکش های زندگی او رفته رفته شکل دیگری به خودش می گیرد. او بارها مورد تحقیر و ضرب و جرح قرار می گیرد و از مرگ نجات پیدا می کند. نکته مهم این که در هر مرحله زندگی اش به نحوی با سیاست و تغییر نخست وزی رهای آن دوران گره خورده است.

پخش این اثر فاخر که از تولیدات مرکز سیمافیلیم است از چندی پیش آغاز شده و همچنان ادامه دارد. برگ برنده این اثر درخشان کمال تبریزی کارگردان، علیرضا طالب زاده نویسنده، محمد مسعود تهیه کننده و هنرمندانی است که به زیبایی نقش های شان را ایفا کرده اند؛ نقش هایی که هرکدام طراوت و ویژه ای به سریال داده اند و مخاطب با علاقه تماشای این مجموعه را دنبال می کند.

شادمان از قسمت اول تا شانزدهم بارها در موقعیت های مختلفی همچون ترس، اندوه، ناامیدی، خشم، حسرت، بغض، شادی و ... قرار می گیریم و در تمام این موقعیت ها به نحوی ظاهری می شود که انگار در حال تجربه ابعاد مختلف یک زندگی است.

مسلمان نقش آفرینی بی همتای رهی را از قسمت های ۱۱ به بعد می بینیم که با لکنت صحبت و این موقعیت را چنان در تک تک جملاتش لحاظ می کند که کاملاً برای مان باورپذیر می شود توانایی تکلمش را از دست داده است و ... از همین رو بهانه ای شد تا این شماره از پرونده «قاب کوچک» را به بازی هنرمندان این سریال اختصاص دهیم و از دیروز تا امروز آنها بگوئیم که در این اثر به سکنداری کمال تبریزی خوش درخشیدند. هریک از هنرمندان سریال در این اثر با شخصیت پردازی صحیح و منسجمی که نویسنده طراحی کرده، توانستند در موقعیت های متفاوتی قرار بگیرند و به واسطه خلق هنرشان بازی قدرتمندی را به تصویر بکشند و گرم متفاوت هرکدام از آنها به یک رنگ آمیزی تماشایی منجر شده که چشمان بیننده را می رباید. مگر می شود بازی علی شادمان، زنده یاد بیتا فرهی، فرهاد قائمیان، امیر آقایی، جعفر دهقان، پژمان بازغی و ... را دید و درباره اش سخن نگفت، چرا که هریک از آنها بخشی از قصه را با بازی های جذاب شان روایت می کنند. ضمن اینکه شخصیت های قصه به واسطه اتفاقاتی که می افتد با فراز و نشیب های زیادی روبه رو می شوند. در کنار این پرونده گفت و گو با صفر کشکولی، هنرمند قدیمی هم یکی دیگر از صفحات را به خود اختصاص می دهد. در این شماره همچون قبل سری به دنیای رادیو و یکی از برنامه ها زدیم و گپ و گفت داشتیم. عکس نوشت این هفته هم اختصاص به سریال «سلمان فارسی» دارد که داوود میرباقری مشغول به ساخت این اثر است.